

چکیده

این مقاله ما را با یکی از برجسته‌ترین درون‌مایه‌های مشترک یعنی «تلقی وطن به‌عنوان مادر» در شعر معاصر میهنی فارسی (۱۳۲۰-۱۳۷۶ ش) آشنا می‌کند. شعرای میهنی این حوزه، برای بیداری و تحریک عواطف مردم و ارج نهادن به اصالت وطن، همواره از این درون‌مایه بهره می‌جستند. تلقی وطن به‌عنوان مادر (مام وطن) با قرار گرفتن در موضوع شعر میهنی، نه تنها شعر را نو و جذاب نمود که این موضوع در دوران کهن مطرح نبوده است، بلکه در دوره معاصر بعضاً جای عشق مادی را گرفت. در کنار این موضوع، با دیدگاه برجسته‌ترین شعرای میهنی فارسی؛ نسیم شمال، ابوالقاسم لاهوتی، بهار، فرخی‌یزدی، ادیب‌الممالک فراهانی... در این باره آشنا می‌شویم و به نقش این موضوع در روند اثرگذاری در بیداری مردم و علت پرداختن به آن و نوع نگاه آن‌ها، در این حوزه می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: درون‌مایه، مادر وطنی، شعر فارسی، معاصر.

رضا مهدی‌زاده‌آری

دکترای زبان و ادبیات عربی
و مدرس دانشگاه آزاد و
مراکز تربیت معلم مازندران

یکی از مهم‌ترین ارکان شعر، درون‌مایه (theme) آن است که محتوای اصلی یک سروده را شکل می‌دهد و شعر هم با توجه به حوادث و اتفاقات زمانش، از درون‌مایه مخصوص به آن برخوردار است. از آن جمله، شعر میهنی معاصر فارسی خود متأثر از حوادثی است که درون‌مایه آن را به گونه‌ای متفاوت با گذشته قرار داده است. شعر میهنی با درون‌مایه ویژه نه تنها انعکاس‌دهنده روزگار خویش بوده بلکه برای تهییج مردم و بیداری آن‌ها برای دفاع از میهن و مقومات آن چون زبان، تاریخ، گذشته، طبیعت و فرهنگ نقش عمده‌ای داشته است. این مقاله ما را با



تلقی وطن به عنوان
معشوق در غزل
و قصیده، از دیگر
درون مایه‌های
عاطفی بود که شعر
میهنی را از حالت
جمود و غرق در
غزل ملای در آورد.
بیان رنج توده مردم
همواره یکی از ارکان
اصلی شعر میهنی
بوده است. شعرای
میهنی گاهی با زبان
ساده، گاهی با کنایه
و طنز و تمسخر
سعی در بیان
اوضاع اجتماعی
وطن داشتند

پدید آمد که در جهت دفاع از عواطف و احساسات مردم در مقابل استعمار و برای ساختار سرزمینی آباد، قرار گرفت و انعکاس دهنده حرکت مردم برای حفظ سرزمین و میهن بوده. این شعر در روند حرکت خویش از درون مایه‌هایی برخوردار شد که همه برای دفاع از وطن پدید آمده‌اند لذا می‌توان گفت مهم‌ترین درون مایه شعر میهنی که آن را نسبت به هر دوره‌ای ممتاز می‌کند، چنین است: «آزادی» در مفاهیمی چون تساوی حقوق انسان‌ها و دخالت در سرنوشت وطن، دوری از خرافات، اجرای قانون، آزادی بیان، نظم اجتماعی و برابری همه احاد بشر، که اگرچه پایه‌های اولیه آن را روشنفکران متأثر از غرب بنا نهادند، شعرا آن را در جهت مقاصد میهنی به اوج خویش رساندند. (به اشعار بهار، فرخی، لاهوتی، هخدا و نسیم شمال مراجعه شود). قیاس وطنی از دیگر درون مایه‌های شعر میهنی این عصر است که نوعی مقایسه وطن با گذشته و همسایگان و دنیای جدید بود که باعث تحریک غرور ملی می‌شد و ضمن به حرکت درآوردن مردم، آن‌ها را با تاریخ خویش و وضع موجود آشنا می‌کرد.

تلقی وطن به عنوان معشوق در غزل و قصیده، از دیگر درون مایه‌های عاطفی بود که شعر میهنی را از حالت جمود و غرق در غزل ملای در آورد. بیان رنج توده مردم همواره یکی از ارکان اصلی شعر میهنی بوده است. شعرای میهنی گاهی با زبان ساده، گاهی با کنایه و طنز و تمسخر سعی در بیان اوضاع اجتماعی وطن داشتند. باستان گرایی و بیان نمادهای کهن شعرهای میهنی را پر کرده است. بیشتر این نوع اندیشه‌ها در مقابل ورود استعمار پدید آمده است و بر این اساس، به دنبال هویت وطن رفته‌اند. رثای وطنی یا گریستن بر وطن، چون عزیزی از دست رفته، یکی از جنبه‌های زیبای مضمون شعر میهنی است. همچنین، مدح و رثای شهیدان و قهرمانانی که جان خویش را برای وطن داده‌اند، تنفر از استبداد داخلی و بیزاری از استعمار، رسیدن به استقلال، اتحاد ملی، ترغیب به کسب علم و دانش برای نجات وطن، به خدمت گرفتن مدرنیته غربی برای ترقی کشور، حمایت از مشروطه و اندیشه مشروطه‌خواهی... از دیگر درون مایه‌های شعر میهنی معاصر است که بحث درباره هر کدام باعث اطلاع سخی می‌شود. در این میان، یکی از زیباترین و مهم‌ترین درون مایه‌های شعری که بجا در شعر میهنی جای گرفت، تلقی وطن به عنوان مادر یا به عبارت ساده‌تر «مأم وطن» است که در این مقاله، در حد توان درباره آن بحث می‌شود.

«مأم وطن»، درون مایه شعر معاصر میهنی فارسی

تلقی وطن به عنوان مادر همواره مورد توجه شعرای میهنی فارسی بوده است. این نوع تلقی در شعر میهنی فارسی پررنگ‌تر از عربی است؛ چون در فارسی بحث وطن امری تثبیت شده بوده گفته شده که این نوع تعبیر مأم وطن، از انقلاب فرانسه رسیده است. (سپانلو، ۱۳۶۹: ۱۷۹).

یکی از درون مایه‌های زیبا و جذاب برگرفته از احساس و عاطفه شعرای میهنی یعنی تلقی وطن به عنوان مادر، آشنا می‌کند. اگرچه شاید تلقی میهن به عنوان مادر (مأم وطن) به صورت پراکنده در گذشته بوده باشد، تلقی شعرای معاصر میهنی از آن و هدف و جلوه‌های بیان آن همواره، یک درون مایه جدید و نو از آن ساخته است ما سعی داریم به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که چرا شعرا به این مقوله پرداخته‌اند و سرآمدترین سرایندگان آن چه کسانی بوده و به دنبال چه اهدافی می‌گشته‌اند.

این نوشته سعی دارد به این سؤالات مختصر پاسخی دهد تا یکی از بارزترین جنبه‌های درون مایه شعر میهنی بیشتر شناخته شود. اگرچه در این باره بحث‌های پراکنده‌ای شده ولی هیچ‌گاه آن را به صورت مقاله‌ای جدا مطرح نکرده‌اند. ابتدا نگاهی گذرا به مفهوم درون مایه و مهم‌ترین آن‌ها در شعر میهنی فارسی به طور عام و سپس به موضوع اصلی، یعنی مأم میهن یا تلقی شعرا از وطن به عنوان مادر می‌پردازیم. البته این درون مایه در شعر فارسی (۱۳۲۰-۱۲۷۶ ه. ش) به دلیل تعمق بیشتر بررسی می‌شود.

درون مایه و بارزترین آن در شعر میهنی معاصر فارسی

اصطلاح درون مایه یا مضمون در شعر مشتمل بر مفاهیم جزئی محتوای یک سروده است. (آجودانی: ۲۰۹) که گاهی با موضوع (topic- subject) فرق می‌کند و گاهی به آن شباهت دارد ولی در اصل و اساس، مضمون جزئی‌تر از موضوع است، گاهی به درون مایه، اندیشه شعری هم گفته می‌شود که حاوی مضامین شعری است (زرقانی، ۱۳۸۴: ۳۴) شاید ارائه تعریف مستقل از درون مایه قدری مشکل باشد ولی می‌توان در تعریفی هر چند غیر کامل گفت که «درون مایه مفهومی زیربنایی و انتزاعی است که از موضوع اثر ادبی به وجود می‌آید و اجزاء متعدد و بخش‌ها و موقعیت‌های آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد (نوشه: ۱۳۷۶: ۵۷۸). با توجه به این تعریف، موضوع با مضمون یکی نیست و کلی‌تر و ملموس‌تر از مضمون یا درون مایه است. این درون مایه به فراخور شعر در شرایط زمان و حوادث، گاهی صریح و گاهی پنهان است. در عصر مشروطه شاید قالب و فرم شعری چندان تغییری نکرده باشد ولی شعر، از جهت مضمون و درون مایه، نسبت به گذشته خویش تغییرات اساسی کرده است. یکی از درون مایه‌های تازه با مفاهیم جدید - که در بطن سروده‌های این عصر قرار گرفت - اندیشه میهن دوستی در معنی عام و کلی است. شعرا و گویندگان بارز این عصر، همه قریحه و استعداد شعری خویش را به خدمت میهن و مقاصد آزادی خواهانه درآوردند (آریان پور، ۱۳۸۲: ۱۳۲/۲).

وطن از مفهوم و معنی جزئی قدیم در حد شهر، زادگاه و ولایت متحول شد و مفهومی وسیع به خود گرفت که دربرگیرنده یک واحد جغرافیایی گسترده متشکل از اقوام مختلف براساس اشتراکات و اتحاد ملی و تاریخی به منظور شکل دهی یک حکومت سیاسی و ملی و گاهی اسلامی بود. بر این اساس، شعر میهنی

محمدرضا شفیعی کدکنی هم گوید که تعبیر مام وطن، به گفتهٔ شیفر از اروپا رسید (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۲۲). اما قدیمی‌ترین تعبیر گذرا با نگاهی نقدگرایانه در قرن چهارم در «قابوسنامه» به صورت الوطن، الام‌الثانیه موجود است (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۷۳: ۶۳).

چنین به نظر می‌رسد که مادر وطنی در شعر میهنی معاصر فارسی، بدین مفهوم یک حرکت و درون‌مایهٔ نو است که شعر را پویا و نو و قوی نموده است. این تعبیر با قرار گرفتن در شعر معاصر تحولی بزرگ پدید آورد و آن اینکه توانست احساسات مردم را با تمام ظرافت به حرکت درآورد؛ زیرا تلقی وطن به‌عنوان مادر، هر کس را وامی‌دارد تا از حریم آن چون حریم ناموس خویش دفاع کند. شاید در هم‌آمیختگی این دو تعبیر باعث شد که در سرزمین ما، نام وطن (چون ایران - کشور) بر اسامی زن و مادر نهاده شود (برقی، ۱۳۵۶: ۶۰).

بجاست که بگویم جلوهٔ آغازین وطن از خانواده (اسره) شروع شده است به‌هر حال این طرز تلقی، یعنی تعبیر وطن به‌عنوان مادر، جای بعضی باورها و مفاهیم عاشقانهٔ معمول و مرسوم در غزل و قصیده را گرفت (گروه نویسندگان انقلاب مشروطه، ۱۳۸۲: ۱۶۵). و شعرا را به سمت تثبیت وطن‌دوستی و تقدیس آن در دل‌های مردم حرکت داد تا برای وطن خویش از جان هم بگذرند؛ چون وطن در حکم مادرشان است. در شعر میهنی فارسی، ادیب‌الممالک فراهانی و ایرج میرزا، فرخی، بهار، ادیب پیشاوری و ابوالقاسم لاهوتی بیشترین تعبیر را دارند. البته این شعرا نه تنها به این نوع طرز تلقی پرداختند بلکه در ارائهٔ تصویری از مادر به‌عنوان الگویی قهرمان‌پرور، صبور، مقاوم و پایدار نقش عمده داشتند. در عین اینکه به مشکلات مربوط به جهل و تعلیم‌وتربیت زن می‌پرداختند. در زیر به بعضی از شواهد شعری تلقی وطن به‌عنوان مادر (مام) از شعراى میهنی معاصر فارسی اشاره می‌کنیم. نسیم شمال می‌گوید:

ای جوانان وطن، نونهالان وطن، می‌رود جان وطن
و کلاه، ای و کلاه، می‌رسد سیل بلا، وطن کرب و بلا
این وطن مادر ماست، بلکه تاج سر ماست، بالش و بستر ماست
(گیلانی، ۱۳۸۰: ۹۷)

همو گاهی از وطن به‌عنوان «عروس» تعبیر می‌کند:

مادر ببین عروس وطن بی‌جهاز شد
آخر به طعنه دست اجانب دراز شد
بهار هم تعبیری زیبا دارد:

هیچ دانی که چه کردیم به مادر من و تو

یا چه کردیم، به هم جان برادر من و تو (بهار، ۱۳۶۸: ۱۸۰/۲)
ابوالقاسم لاهوتی در داستان «پهلوان آشتی» که منجی منطقه بود» در نقش پهلوان می‌گوید:

بلکه مادروطن، ز شر عدو
جان خود را سپرده است به تو

مادری که چو تو پسر دارد

کی دیگر بیم از خطر دارد

ایرج میرزای شاهزاده، که به شاعر مادر شهرت دارد، در قالب

سرود میهنی می‌گوید:

ما که اطفال این دبستانیم

همه از خاک پاک ایرانیم

... وطن ما به جای مادر ماست

ما گروه وطن پرستانیم (میرزا ایرج، ص ۱۹۴: ۲۵۳۶)

ادیب‌الممالک در عشق به وطن، در جهت تهییج مردم می‌گوید:

مادر توست این وطن که در طلبش خصم

نار تناول به خاندان تو افکند

هیچت اگر دانش است و غیرت و ناموس

مادر خود را به دست دشمن میسند (ادیب‌الممالک، ۱۳۸۰: ۲۳۱/۱)

ادیب پیشاوری اگر چه در جریان وطن‌خواهی چندان نقش ندارد،

باز در سرزنش مردم در باب اشغال کشور این گونه می‌گوید:

ای به دست زانیان بسپرده مام خویش را

کاش بودی مام، از این بی‌نگ بچه عاقری

سرخ رویی خواهی از دنیا به خون آغشته شو

هر شهیدی خیزد از گوری چو لاله احمری (پیشاوری: ۱۳۶۲: ۱۴۲)

وحید دستگردی در رثای وطن، از زبان و آن این گونه می‌گوید:

من، آخر به شما مادرم و ناموسم

چیست باعث که دچار آلم و مأیوسم

مگذارید گرفتار شکنج روسم

وقت باقیست مسازید ز خود مأیوسم (دستگردی، بی‌تا: ص ۲۰)

عارف در یک نگاه سرتاسر یأس و ناامیدی از حوادث وطن می‌گوید:

کسی بی‌وطن‌تر ز من در جهان

به هر جای جوید نگیرد نشان

همه مهر این مادر پیر گنج

بود صرف در راه اولاد بیج (عارف قزوینی، ۱۳۸۱: ۴۸۱)

بهار در جای دیگر این گونه می‌سراید:

تو رخ مام وطن کندی و من گیسویش

چشم او به نشد و گشت خراب ابرویش

تا:

از پی مام وطن خوب عروسی کردیم

بهر این مرغک خود خوب خروسی کردیم (بهار، پیشین، ۱۸۱/۱)

باز ادیب است که در برانگیختن احساسات مردم نکو می‌گوید:

البته سخنش به نوعی با تمسخر و تحکم همراه است:

آخر ای ایرانیان ای مردمان با شرف

از چه رو دادید این سان ملک ایران را ز کف

(ادیب‌الممالک فراهانی، ۱۳۸۰: ۵۶۳/۲)

تا اینکه از زبان وطن می‌گوید:

مر نبودم من شما را مام و در دامن خویش

پرورش دادم شما را همچو در اندر صدف

آخر از سر معجرم بردند و خلخالم زپای

در تماشای من آوردید دشمن صف به صف

جز شما مادر فروشان هیچ دیدستی کسی

مادر خود را فروشد در عوض گیرد خزف

(ادیب‌الممالک فراهانی، ۱۳۸۰: ۵۸۳/۲)

بالاخره عارف است که در دیوانش این تعبیر زیبای نثری را دارد که: وطن دوستی ایرانیان خالص است. آن کس که پاسدار حریم مادر وطن نیست، زنازاده است و در بند ناموس نیست. (سپانلو: ۱۰۲ (نقل از دیوان)

نتیجه

این مجموعه سخنان شعرای میهنی در تلقی وطن به عنوان مادر، ابراز محبت خالصانه آن‌ها نسبت به وطنی است که در تهاجم استعمار یا ظلم استبداد گرفتار بوده است. این گونه تعبیر در شعر دوران کهن وجود داشته و در واقع زاینده حوادثی است که شعر معاصر را تحت شعاع قرار داد؛ به طوری که شعرا از وطن تلقی مادرانه‌ای داشتند که خود یکی از اصلی‌ترین عناصر خانواده را شکل می‌داد. خانواده هم خود کوچک‌ترین واحد وطنی بود؛ لذا تعبیر مام وطن تعبیری اصولی است که در دوره معاصر خود را به طور تمام و کمال نشان داده است. از طرفی، تعبیر مام وطن شاید ریشه در اروپا هم داشته باشد ولی در ایران، به عنوان یکی از دقایق ادبی همواره در تهییج مردم و بیداری آن‌ها نقش عمده داشته است و حتی شاعران گاهی در تلقی از وطن علاوه بر مادر از تعبیر ناموس و عروس هم بهره می‌جسته‌اند. این نوع تعبیر به تدریج توانست جای عشق مادی را در شعر میهنی بگیرد. این نوع تعبیر در شعر فارسی به خاطر تثبیت وطن، عمیق بود.

پیشنهاد

اگر جامعه‌ای بتواند وطن دوستی را در وجدان و عواطف مردم جامعه و حتی نقطه مرکزی آن یعنی خانواده جای بدهد، می‌توان انتظار داشت که مردم نه تنها از وطن به درستی و با تمام وجود همانند حریم خانواده، مادر، ناموس و عروس خود دفاع کنند بلکه به عمران و آبادی و حفظ آن بپردازند.

منابع

۱. آریان پور، یحیی؛ از صبا تا نیما، چاپ هشتم، زوار، ۱۳۸۲.
۲. آجودانی، ماشاءالله؛ یا مرگ یا تجدید، چاپ اول، زوار، ۱۳۷۱.
۳. انوشه، حسین؛ فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۴. بهار، محمدتقی؛ دیوان، چاپ پنجم، نشر توس، ۱۳۶۸.
۵. ادیب پیشاوری؛ دیوان، ج ۲، جمع و حاشیه علی عبدالرسولی، پارسا، ۱۳۶۲.
۶. یارشاطر، احسان و گروه نویسندگان، مجله ایرانیکا، شماره ۳.
۷. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ «تلقی قدما از وطن»، مجله الفبا، ۱۳۵۲.
۸. زرقانی، سسیدمهدی؛ چشم‌انداز شعر معاصر ایران، ج ۲، نشر ثالث، ۱۳۸۴.
۹. سپانلو، محمدعلی؛ چهار شاعر آزادی، چاپ اول، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۰. عشقی، میرزاده؛ دیوان، تدوین سیدمهدی حائری، ج ۱، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
۱۱. ادیب‌الممالک، فراهانی؛ دیوان، تصحیح مجتبی برزآبادی، ج ۳، فردوس، ۱۳۸۰.
۱۲. عارف قزوینی عارف؛ دیوان، تدوین محمدعلی سپانلو، ج ۱، نگاه، ۱۳۸۱.
۱۳. فرخی؛ دیوان با مقدمه محمدعلی اسلامی ندوشن، به کوشش حسین مسرت، چاپ اول، قطره، ۱۳۸۰.
۱۴. عنصرالمعالی، کیکاووس؛ قابوسنامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ هفتم، علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۵. لاهوتی، ابوالقاسم؛ دیوان، اداره نشر به زبان‌های خارجی، چاپ مسکو.
۱۶. ایرج، میرزا؛ دیوان، به اهتمام محمدجعفر محبوب، چاپ ۴، نشر اندیشه، ۲۵۳۶.
۱۷. نسیم شمال؛ دیوان، به اهتمام سعید نفیسی، چاپ ۱، چاپخانه احمدی، ۱۳۷۰.

چکیده

زمانی که شاعر یا نویسنده‌ای تمایل داشته باشد حرف‌هایش را در قالب نماد و نشانه به زبان بیاورد و اشیای دور و برش را با مفاهیمی عمیق‌تر از آنچه هست تجسم کند، از نماد بهره می‌گیرد. نمادگرایی در ادب معاصر فارسی به‌رغم سمبلیسم غربی، تلاشی از نوع هنر برای هنر نیست بلکه بازتاب سرخوردگی‌های هنرمند و شرایط سیاسی اجتماعی روزگار وی است؛ راهی برای آشکار کردن زشتی‌ها، ریاکاری‌ها، خفقان حاکم بر جامعه و

نکته ارزنده‌ای که برخی از آثار امروزه را در خور توجه نموده، بهره‌وری شاعران و نویسندگان از اساطیر و افسانه‌ها به صورت نمادین و زمینه‌های افسانگی نهفته در شکل ظاهری و ذهنی شعر است. کسانی که توانسته‌اند این را با جوهر شعر خود آشتی دهند و در یک جوشش هنری آن‌ها را با هم بیامیزند، به توفیقاتی هرچند نسبی دست یافته‌اند. فضای خفقان‌آلود پس از کودتای ۲۸ مرداد، شرایط را برای ظهور این گرایش شعری در جریان شعر معاصر فراهم کرد. از آنجا که در آن زمان شاعران آشکارا نمی‌توانستند اوضاع جامعه را بیان کنند، ناچار به نماد روی آوردند. به همین دلیل، نماد در شعر معاصر ایران برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی آن روزگار بیشترین کاربرد را داشته است. کسریایی نیز از جمله شاعران متعهدی است که در شعر خود از نمادها برای بیان مسائل روز جامعه و رهایی از تنگناهای سیاسی بهره‌های فراوانی برده است.

کلیدواژه‌ها:

نماد، نمادپردازی، شعر، سیماوش کسریایی.



ادامه مقاله در صفحه ۵۰

زهره فلاح‌فرد

کارشناس ارشد زبان

و ادبیات فارسی و

دبیر دبیرستان‌های تهران

استاد راهنما:

دکتر عبدالحسین فرزاد